



پژوهشنامه‌ی اقتصاد کلان

علمی - پژوهشی

سال دوازدهم، شماره‌ی ۲۴، نیمه‌ی دوم ۱۳۹۶

اصابت تورم و جهانی شدن به نابرابری درآمد: آیا شدت سرمایه مهم است؟

امیرمنصور طهرانچیان*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳

چکیده:

در این مقاله با توجه به نظریه استالپر-ساموئلسون، کوزنتس و ماندل، تاثیر تورم و جهانی شدن مالی و تجاری بر نابرابری درآمد در کشورهای با شدت سرمایه بالا و پایین مورد آزمون تجربی قرار گرفته است. برای این منظور، از داده‌های سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۰ و روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) استفاده شده است. این پژوهش نشان داد که در هر دو گروه از کشورهای مورد بررسی، تورم سبب افزایش و افزایش درجه جهانی شدن مالی و تجاری موجب کاهش نابرابری درآمد می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده، با وجودی که تفاوت در شدت سرمایه، به تفاوت قابل توجهی در میزان و جهت تاثیر جهانی شدن تجاری بر نابرابری درآمد منجر نشده است، اما در کشورهایی که در آن‌ها شدت سرمایه بیشتر است، جهانی شدن مالی تاثیر بیشتری بر کاهش نابرابری درآمدی دارد. تجدید نظر در محدودیت‌های تجاری و مالی وضع شده، بازاریابی بین‌المللی محصولات و ارتقای سطح بهره‌وری عوامل تولید از طریق آموزش و به روز کردن فناوری بنگاه‌ها به منظور ورود به بازارهای جهانی و رقابت در شرایط تجارت آزاد از جمله پیشنهاد‌های مقاله حاضر محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: تورم، جهانی شدن مالی، نابرابری درآمد، روش گشتاورهای تعمیم یافته.

طبقه بندی موضوعی: E31, E44, F21

* نویسنده مسئول: دانشیار گروه اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری- دانشگاه مازندران بابلسر، ایران

m.tehranchian@umz.ac.ir

۱- مقدمه

توزیع جغرافیایی ناهمگن مواهب طبیعی، سرمایه انسانی و تفاوت‌های اقلیمی، مزیت‌های نسبی مبتنی بر فراوانی نسبی عوامل را اجتناب ناپذیر کرده است. خروج از انزوای تجاری، فرصت بهره‌مندی از امکانات تولیدی کشورهای دیگر را فراهم می‌کند. از این‌رو، امکان دستیابی به سبدهای مصرفی و رفاه بالاتر از محدودیت و مرز امکانات تولیدی داخلی فراهم می‌شود. تقسیم کار بین المللی، تخصص‌گرایی، افزایش بهره‌وری، انتقال فناوری، نوین‌سازی خطوط تولید، بهره‌مندی از صرفه‌های مقیاس، رقابتی شدن محیط بازار، افزایش اشتغال و تولید ملی از جمله مهم‌ترین منافع تجارت بین‌الملل است که از سوی اقتصاددانان معتقد به آزادسازی تجاری و مالی آرایه می‌شود. زیربنای نظری این رویکرد، شامل نظریه‌های سنتی تجارت بین‌الملل مانند نظریه مزیت مطلق^۱ آدام اسمیت^۲ و مزیت نسبی^۳ ریکاردو^۴، نظریه قانون تقاضای متقابل^۵ استوارت میل^۶، نظریه هزینه فرصت^۷ هابرلر^۸، نظریه لئونتیف^۹ و ساموئلسون و نظریه‌های جدید تجارت بین-الملل مانند رویکرد تشابه ترجیحات لیندر^{۱۰}، نظریه چرخه تولید ریموند ورنون^{۱۱}، نظریه تجارت درون صنعت^{۱۲}، نظریه علیت تجمعی کالدور-وردورن^{۱۳}، نظریه راهبرد تجارت باگواتی^{۱۴}، نظریه مزیت پیش‌تاز بودن پورتر^{۱۵} و نیز نظریه کروگمن^۱ هستند. در مقابل،

¹ Absolute Advantage

² Adam Smith

³ Relative Advantage

⁴ Ricardo

⁵ The Reciprocal Demand Theory

⁶ Stuart Mill

⁷ Opportunity Cost

⁸ Haberler

⁹ Leontief

¹⁰ Linder

¹¹ Vernon

¹² Inter-Industry Trade (IIT)

¹³ Kaldor-Vernon

¹⁴ Bhagwati

¹⁵ Porter

دیدگاه برخی اقتصاددان‌ها مانند لیست، سینگر^۲ و رومر^۳ در گروه منتقدان تجارت آزاد طبقه بندی می‌شود. در طی سالهای پس از جنگ جهانی دوم، درحالی که جدل نظری بین موافقین و منتقدان تجارت آزاد به تکامل و ارایه نظریه های جدید در اقتصاد بین الملل منجر می شد، ترکیب رایانه و تلفن، سبب انفجار بزرگ^۴ دوم و پیدایش جهان مجازی^۵ گردید. تلفیق دانش، فناوری و تامین مالی به توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات^۶ (ICT) و در نهایت تجارت الکترونیک منجر شد. از جمله مهمترین نتایج توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیز افزایش سرعت تجارت، کمرنگ شدن مرزهای سیاسی و جغرافیایی است. جهانی شدن^۷ در حقیقت از ماهیت چند بعدی برخوردار است. به طور معمول، از جهانی شدن سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، علمی و اقتصادی به عنوان ابعاد مهم جهانی شدن نام می برند. براساس تعریف صندوق بین الملل پول، جهانی شدن اقتصادی عبارتست از: "تجمیع افزایشی اقتصادهای دنیا، بخصوص از طریق حرکت کالاها، خدمات و سرمایه بین مرز کشورها" (IMF, ۲۰۰۸). نگرانی در خصوص پیامدهای جهانی شدن اقتصاد مانند: ملاحظات زیست محیطی، اشتغال، افزایش درجه تحرک سرمایه و بی ثباتی اقتصادی، توجه اقتصاددانان را به خود جلب کرده است. یک چالش بزرگ، چگونگی تاثیر جهانی شدن اقتصاد بر توزیع درآمد است. در این خصوص، با توجه به نظریه "U" وارونه کوزنتس^۸، علاوه بر ابهامی که از بعد نظری بر تاثیر درجه باز بودن اقتصاد بر تولید ملی و اشتغال وجود دارد، در زمینه تاثیر جهانی شدن اقتصاد بر توزیع درآمد نیز بین اقتصاددانان اتفاق نظر وجود ندارد. همچنین، شواهد تجربی نیز نتایج مشابهی را ارایه نمی‌کنند. در این مقاله، تاثیر جهانی شدن اقتصاد (مالی و تجاری)

¹ Krugman

² Singer

³ Romer

⁴ Big Bang

⁵ Virtual World

⁶ Information and communication Technology

⁷ Globalization

⁸ Kuznets

در کشورهای منتخب با توجه به شدت سرمایه مورد آزمون تجربی قرار می گیرد. برای این منظور، مقاله حاضر در پنج بخش سازماندهی شده است. در ادامه و در بخش دوم، ادبیات موضوع به لحاظ مبانی نظری و شواهد تجربی مرور می شود. بخش سوم از این مقاله به معرفی روش تحقیق اختصاص می یابد. در بخش چهارم یافته های پژوهش ارائه شده و در بخش پنجم به نتیجه گیری و پیشنهاد پرداخته می شود.

۲- ادبیات موضوع

۲-۱. مبانی نظری

واژه "جهانی شدن"^۱ از ریشه لاتین "Globus" به معنای کره و توده است (Rothenberg, 2003). صندوق بین المللی پول، جهانی شدن را به صورت: "تجمیع افزایشی اقتصادهای دنیا، از طریق حرکت کالاها، خدمات و سرمایه بین مرزها" تعریف کرده است (IMF, 2008). شاخص های اندازه گیری جهانی شدن به دو گروه شاخص های ترکیبی و غیر ترکیبی قابل طبقه بندی هستند (دادگر و ناجی، ۱۳۸۲). شاخص های ترکیبی شامل: شاخص کیارنی^۲، شاخص هریتیج^۳، شاخص فریزر^۴ و شاخص KOF است. با توجه به تعریف استیگلیتز (۲۰۰۰) و الماس (۲۰۰۳) از جهانی شدن اقتصاد، می توان شاخص های غیر ترکیبی جهانی شدن را به صورت شاخص جهانی شدن تجاری و شاخص جهانی شدن مالی تعریف کرد. شاخص جهانی شدن تجاری، در حقیقت شاخصی برای جهانی شدن اقتصادی است که از نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی محاسبه می شود. از آن جاکه این شاخص بیانگر سهم تجارت خارجی (حساب جاری) در تولید ناخالص داخلی است، شاخص "درجه باز بودن تجاری" و شاخص "آزادی تجاری" نیز نامیده می شود. شاخص جهانی شدن مالی یک شاخص غیرترکیبی برای جهانی شدن اقتصادی است. این شاخص که از نسبت سرمایه-

¹ Globalization

² Kearney

³ Heritage

⁴ Fraser

گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی قابل محاسبه است، شاخص "درجه باز بودن مالی" و شاخص "آزادسازی مالی" نیز نامیده می‌شود. با وجود مزایای تجارت آزاد، تاثیر جهانی شدن اقتصاد بر اشتغال و توزیع درآمد همواره با نگرانی و تردید عمومی همراه بوده است. افزایش ضریب جینی از دهه ۱۹۸۰ و بحران مالی جهانی در اواسط دهه ۲۰۰۰، تاثیر جهانی شدن اقتصاد چه در بعد تجاری و چه در بعد مالی بر توزیع درآمد را به یک موضوع بحث برانگیز تبدیل کرد (اتکینسون و مورلی^۱، ۲۰۱۱). بر این اساس، نظریه‌های اقتصادی مرتبط با تاثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد به دو گروه قابل طبقه بندی هستند. گروه اول، شامل نظریه‌های اقتصادی هستند که براساس آن‌ها افزایش درجه جهانی شدن، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد. دنیس رابرتسون^۲ (۱۹۴۰) معتقد بود که چنانچه تاثیر رشد بر توزیع درآمد پذیرفته شود، در این صورت جهانی شدن اقتصادی از مسیر تاثیر رشد اقتصادی، بر توزیع درآمد تاثیر می‌گذارد. استالپر و ساموئلسون^۳ (۱۹۴۱) بر اساس نظریه هکشر-اوهلین^۴، معتقد بودند که با افزایش درجه جهانی شدن (تجاری) تقاضا برای عوامل تولید آن کالایی که کشور مورد نظر به لحاظ فراوانی عوامل در آن مزیت دارد، افزایش می‌یابد. در کشورهای در حال توسعه نیروی کار غیرماهر فراوانتر است. پس با افزایش درجه جهانی شدن، تقاضا برای نیروی کار غیرماهر افزایش می‌یابد با افزایش تقاضای نیروی کار غیرماهر، دستمزد آنان زیاد شده و نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد. ماندل (۱۹۵۷) تاثیر آزادسازی مالی و حساب سرمایه بر توزیع درآمد را مورد بررسی قرار داد. او معتقد بود که انتقال سرمایه از خارج به داخل، بهره وری نیروی کار و به دنبال آن، دستمزدها را افزایش می‌دهد. مکینون^۵ (۱۹۷۳) و شو^۶ (۱۹۷۳) در یک رویکرد نئوکلاسیکی معتقد بودند که

¹ Atkinson & Morelli

² Dennis Robertson

³ Stolper & Samuelson

⁴ Heckscher - Ohlin

⁵ McKinnon

⁶ Shaw

اصابت تورم و جهانی شدن به نابرابری درآمد ۵۹

حذف نرخ ذخیره قانونی و افزایش نرخ بهره، پس اندازکنندگان به سرمایه‌گذاری تهییج می‌شوند. با افزایش عرضه وجوه قابل سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری و تولید افزایش می‌یابد. همچنین به دلیل این که این دو پژوهشگر معتقد بودند که ورود سرمایه و آزادسازی مالی به طور برابر توزیع می‌شوند، بنابراین، وضعیت هر فرد در شرایط آزادسازی مالی بهتر از گذشته خواهد بود. گروه دوم، شامل نظریه‌های اقتصادی هستند که براساس آنها، جهانی شدن اقتصادی به افزایش نابرابری می‌انجامد. گالور و زیر^۱ (۱۹۹۳) معتقد بودند که با افزایش درجه جهانی شدن مالی، هزینه تامین سرمایه کاهش می‌یابد. این امر سبب می‌شود عایدی‌های سرمایه^۲ افزایش یابد. از افزایش عایدی سرمایه کسانی منتفع می‌شوند که در بازار سرمایه مشارکت کرده‌اند. بنابراین، جهانی شدن مالی، نابرابری درآمدی را افزایش می‌دهد. فایربو و بک^۳ (۱۹۹۴) و استرینگر^۴ (۲۰۰۶) از "نظریه استقلال" برای توجیه تاثیر جهانی شدن اقتصاد بر نابرابری درآمد استفاده کردند. آنها معتقد بودند که سرمایه مالی خارجی به سمت بخش‌هایی انتقال می‌یابد که پتانسیل گسترش و صادرات را داشته باشند. به همین دلیل با ورود سرمایه مالی خارجی بین بخش‌هایی که سرمایه مالی خارجی را دریافت کرده‌اند و سایر بخش‌ها، دوگانگی اتفاق می‌افتد. از این رو، دستمزد در بخش‌هایی که منابع مالی خارجی به سمت آنها هدف گیری شده است، افزایش می‌یابد. در سال ۱۹۹۷، هانسن و فین استرا^۵ تحلیل متفاوتی را ارائه کردند. از نظر این اقتصاددانان، ورود سرمایه خارجی، تقاضا برای نیروی کار ماهر را در مقایسه با نیروی کار غیرماهر افزایش می‌دهد. به همین دلیل، با افزایش درجه باز بودن مالی، نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد. برخی اقتصاددانان مانند کارمن (۱۹۹۴)، ماهلر، جسوت و روسکو (۱۹۹۹)، فیجینی و گرگ (۱۹۹۹)، باربا نوارتی و سولاگا (۲۰۰۲)، پرکینز و نیومیر (۲۰۰۵)، ویندمیجر (۲۰۰۵)

¹ Galor & Zeira

² Capital Gain

³ Firebaugh & Beck

⁴ Stringer

⁵ Hanson & Feenstra

"تاثیر فناوری جدید" را مورد توجه قرار دادند. براساس این نظریه، ورود فناوری جدید، سبب افزایش تقاضا برای کارگران ماهر می‌شود. این افزایش در تقاضای کار ماهر، سبب نابرابری درآمدی می‌شود.

۲-۲. شواهد تجربی

تیلور (۲۰۰۰) اثر جهانی شدن را بر توزیع درآمد در نه کشور در حال توسعه مورد بررسی قرار داد. براساس یافته‌های پژوهش فوق، جهانی شدن نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد.

جی مانگ (۲۰۰۳) فرضیه کوزنتس در مورد جهانی شدن بر توزیع درآمد را در کره جنوبی (۱۹۷۵-۱۹۹۵) بررسی کرد. براساس نتایج حاصل از پژوهش، جهانی شدن اثر قابل توجهی بر نابرابری توزیع درآمد در کره جنوبی نگذاشته است.

جانگ یون لی (۲۰۰۶) تاثیر جهانی شدن بر نابرابری در ۱۴ کشور اروپایی (۱۹۵۱-۱۹۹۲) را مورد بررسی قرار داد. این تحقیق نشان داد که افزایش درجه جهانی شدن مالی سبب افزایش نابرابری درآمدی می‌شود.

کورنیا (۲۰۰۵) تاثیر جهانی شدن مالی بر توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه را بررسی کرد. نتایج حاصل از مطالعه او نشان داد که جهانی شدن مالی بر نابرابری درآمد تاثیر مثبت دارد.

کای و هامونی (۲۰۰۹) تاثیر جهانی شدن مالی بر توزیع درآمد در جنوب صحرای آفریقا بررسی کردند. این پژوهش نشان داد که جهانی شدن مالی، توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد.

ناجی (۱۳۸۲) اثر جهانی شدن اقتصاد را بر توزیع درآمد در ایران (۱۳۷۹-۱۳۲۸) را مورد بررسی قرار داد. در این پژوهش از روش هم انباشتگی استفاده شده است. این مطالعه نشان داد که جهانی شدن سبب افزایش نابرابری در ایران می‌شود.

شریفیان (۱۳۸۷) اثر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب مورد مطالعه قرار داد. در پژوهش فوق، برای این منظور از روش دستگاه معادلات همزمان به ظاهر

اصابت تورم و جهانی شدن به نابرابری درآمد ۶۱

نامرتبط (SURE) استفاده شده است. براساس نتایج بدست آمده، با افزایش درجه جهانی شدن اقتصادی، نابرابری درآمد کاهش می‌یابد.

نظری و فتوره چی (۱۳۸۸)، رابطه جهانی شدن با توزیع درآمد در ایران (۱۳۸۶-۱۳۴۹) را بررسی کردند. براساس نتایج این پژوهش، فرضیه کوزنتس و فرضیه استالپر-ساموئلسون در ایران تایید و فرضیه ماندل رد شد.

نجار زاده و مهدوی راسخ (۱۳۸۸)، تاثیر جهانی شدن را بر توزیع درآمد در کشورهای عضو دی هشت بررسی کردند. برای این منظور از داده های پانل دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۴ استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که آزاد سازی تجاری طی دوره مورد نظر باعث بهبود توزیع درآمد و کاهش نابرابری در کشورهای دی هشت شده است.

موسوی و همکاران (۱۳۸۸)، اثر جهانی شدن را بر نابرابری درآمدی در ایران در دوره ۱۳۶۰-۱۳۸۳ مورد بررسی قرار دادند. محققین از شاخص های نسبت تجارت و واردات به تولید ناخالص داخلی، نسبت خالص سرمایه گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص های معرف جهانی شدن استفاده کردند. نتایج نشان داد که نابرابری درآمدی در ایران به موازات افزایش همگرایی اقتصاد ایران به سمت اقتصاد جهانی افزایش نمی‌یابد.

جلایی و ستاری (۱۳۹۰)، اثر جهانی شدن اقتصاد را بر توزیع درآمد در ایران برای مناطق شهری در دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۶ مورد مطالعه قرار دادند. برای این منظور از سه مدل خودرگرسیون برداری VAR، تصحیح خطای برداری VECM و شبکه های عصبی مصنوعی ANN استفاده شده است. نتایج مدل کاراتر (شبکه های عصبی) تحقیق نشان داد که رابطه غیر مستقیم بین جهانی شدن و نابرابری درآمد در جوامع شهری در ایران وجود دارد.

۳. روش شناسی

در این پژوهش، داده های آماری و اطلاعات مورد نیاز، به روش کتابخانه ای جمع آوری شده اند. حدود زمانی تحقیق، مربوط به سال های ۲۰۱۴-۲۰۰۰ و قلمرو مکانی پژوهش، منتخبی از کشورها است که بر اساس متوسط شدت سرمایه (نسبت سرمایه به کار) در سال های فوق، به دو گروه کشورهای با شدت سرمایه پایین و کشورهای با شدت سرمایه بالا تقسیم شده اند.^۱ این کشورها بر اساس میزان دسترسی به داده های آماری متغیرهای این تحقیق انتخاب شده اند. کشورهای منتخب با شدت سرمایه بالا عبارتند از: ایتالیا، برزیل، پاناما، جمهوری چک، روسیه، ژاپن، فرانسه، کانادا، مکزیک، نروژ، هلند. همچنین، کشورهای منتخب با شدت سرمایه پایین عبارتند از: آفریقای جنوبی، اروگوئه، ایران، بنگلادش، پرو، پاکستان، سریلانکا، شیلی، فیلیپین، قزاقستان، قرقیزستان، کلمبیا، لوکزامبورگ، هندوراس. با توجه به ادبیات موضوع، الگوی زیر به منظور آزمون تجربی تأثیر تورم، جهانی شدن و رشد اقتصادی بر نابرابری پیشنهاد می شود:

$$dLn(GINI)_{it} = \beta_0 + \beta_1 dLn(GDP)_{it-1} + \beta_2 dLn(INF)_{it} + \beta_3 dLn(TOD)_{it} + \beta_4 dLn(FOD)_{it} + \mu_{it} \quad (1)$$

در رابطه فوق، اندیس i نشان دهنده کشور و اندیس t نشان دهنده زمان است. در این الگو، $GINI$ نشان دهنده ضریب جینی، GDP : نرخ رشد اقتصادی، INF : نرخ تورم، TOD : جهانی شدن تجاری (نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی) و

^۱. با توجه به در دسترس نبودن داده های آماری مربوط به موجودی سرمایه کشورهای مورد بررسی، از نظریه شتاب کینز، برای محاسبه شدت سرمایه استفاده شد. برای این منظور، از آن جا که براساس نظریه فوق $K=Ky$ است که در آن K ، ذخیره سرمایه و y ، تولید ناخالص داخلی است، بنابراین ضریب متوسط شتاب شدت سرمایه $(\frac{K}{Y})$ با ضریب نهایی شتاب $(\frac{I}{\Delta GDP})$ برابر است. در این جا I و ΔGDP به ترتیب برابر سرمایه گذاری ناخالص داخلی و تغییر در تولید ناخالص داخلی هستند. با عنایت به در دسترس بودن آمار سرمایه گذاری و تولید ناخالص داخلی کشورهای فوق، ضریب متوسط (نهایی) شتاب که برابر شدت سرمایه است، قابل محاسبه هستند.

اصابت تورم و جهانی شدن به نابرابری درآمد ۶۳

FOD: جهانی شدن مالی (نسبت سرمایه گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی) و μ_{it1} : جزء اخلاص الگو است. در الگوی (۱)، تفاضل مرتبه اول لگاریتم متغیرها بیانگر نرخ رشد متغیرهای الگو است. بنابراین ضرایب بدست آمده بیانگر کشش است. الگوی پیشنهادی به روش گشتاورهای تعمیم یافته برای کشورهای مورد مطالعه برآورد می شود.

۴- یافته ها

۴-۱. برآورد الگوی پیشنهادی؛ مورد کشورهای با شدت سرمایه بالا

در جدول ۱ نتایج حاصل از آزمون مانایی ارایه شده است.

جدول ۱. نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد

متغیر	Levin, Line and Chu	Peransa	Adf fisher	PP- Fisherw
dln(GINI)	-۱۴.۳۸	-۱۱.۲۷	۱۴۹.۴۲۷	۱۵۶.۹۳۳
dln(INF)	-۱۱.۲۱	-۸.۶۵	۱۲۲.۳۹	۲۱۷.۸۳۹
dln(GDP)	-۷.۲۷	-۴.۳۸	۶۵.۳۳	۷۵.۰۷
dln(TOD)	-۹.۹۰	-۷.۳۸	۱۰۱.۷۵۵	۱۲۹.۲۱۶
dln(FOD)	-۱۲.۲۶	-۱۲.۴۰	۱۶۲.۰۴	۲۴۱.۱۷۵

منبع: یافته‌های پژوهش — کلیه ضرایب جدول فوق در سطح خطای ۵ درصد معتادار هستند.

همان‌طور که از اطلاعات جدول فوق مشاهده می‌شود، فرضیه وجود ریشه واحد در متغیرهای مربوط به رشد ضریب جینی، تورم، درجه باز بودن تجاری و درجه باز بودن مالی رد می‌شود. بنابراین، این متغیرها در سطح مانا هستند.

نتایج حاصل از برآورد الگوی پیشنهادی در جدول (۲) ارایه شده اند.

جدول ۲. نتایج حاصل از برآورد الگو

متغیر	ضریب	آماره t
dln(GINI(-1))	۰.۲۷	۹.۸۴
dln(INF)	۰.۰۱	۴.۷۹
dln(GDP)	-۰.۲۴	-۵.۰۴
dln(TOD)	-۰.۴۶	-۱۳.۱۹
dln(FOD)	-۰.۵	-۲.۱۸
آزمون	احتمال	مقدار
J-Statistic	۰.۲۵	۱۱.۲۹

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج تخمین الگو در جدول ۲، کلیه ضرایب به لحاظ آماري معنادار هستند. از داده‌های جدول فوق مشاهده می‌شود که با افزایش نرخ رشد اقتصادی، جهانی شدن مالی و تجاری، شاخص نابرابری به طور معنادار کاهش می‌یابد. به این ترتیب، بر اساس نتایج به دست آمده، جهانی شدن تجاری و مالی بیش رشد اقتصادی و تورم بر شاخص نابرابری درآمد تاثیر می‌گذارند.

به منظور اطمینان از عدم خود همبستگی سریالی در جملات پسماند تفاضلی مرتبه اول، از آزمون خود همبستگی سریالی مرتبه اول و دوم آرانو- باند استفاده شده است. فرضیه صفر در این آزمون، بیانگر عدم وجود خود همبستگی سریالی است. در صورتی که احتمال آماره این آزمون در مرتبه دوم بزرگ‌تر از ۵ درصد و در مرتبه اول کم‌تر از ۵ درصد باشد، فرضیه عدم خود همبستگی سریالی از مرتبه دوم تأیید می‌شود. در جدول ۳، نتایج حاصل از آزمون خود همبستگی سریالی مرتبه اول و دوم آرانو- باند ارائه شده‌اند.

جدول ۳. نتایج آزمون خود همبستگی سریالی آرانو و باند

مرتبۀ خود هم بستگی	آماره آزمون m	احتمال
مرتبۀ اول	-۳.۱۳	۰.۰۰
مرتبۀ دوم	-۱.۴۱	۰.۱۵

اصابت تورم و جهانی شدن به نابرابری درآمد ۶۵

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به فرض صفر مبنی بر عدم خود همبستگی سریالی در جملات پسماند الگو رد نمی‌شود. با توجه به جدول ۳ احتمال خود همبستگی مرتبه اول کم‌تر از ۵ درصد و احتمال خود همبستگی مرتبه دوم بیش‌تر ۵ درصد است.

۲-۴. برآورد الگوی پیشنهادی؛ مورد کشورهای با شدت سرمایه پایین

در جدول ۴، نتایج حاصل از آزمون مانایی متغیرهای الگوی پیشنهادی برای کشورهای با شدت سرمایه پایین ارائه شده‌اند.

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد

متغیر	Levin, Line and Chu	Peransa	Adf fisher	PP- Fisher
dLn(GINI)	-۱۰.۳۳	-۸.۸۴	۱۱۴.۰۲	۱۳۴.۵۴
dLn(INF)	-۱۸.۹۰	-۱۳.۸۶	۱۶۹.۷۴	۲۲۸.۸۲
dLn(GDP)	-۶.۹۶	-۴.۹۱	۶۷.۸۹	۶۵.۴۰
dLn(FOD)	-۱۴.۷۱	-۱۱.۰۰۱	۱۴۱.۴۶	۱۸۲.۴۴
dLn(TOD)	-۱۲.۶۲	-۸.۶۶	۱۱۲.۴۳	۱۳۹.۷۲

منبع: یافته‌های پژوهش

- کلیه ضرایب جدول فوق در سطح خطای ۵ درصد معتادار هستند.

همان‌طور که از اطلاعات جدول فوق مشاهده می‌شود، فرضیه وجود ریشه واحد در متغیرهای مربوط به رشد ضریب جینی، تورم، درجه باز بودن تجاری و درجه باز بودن مالی رد می‌شود. بنابراین، این متغیرها در سطح مانا هستند. نتایج حاصل از برآورد الگو پیشنهادی، در جدول (۵) آورده شده‌اند.

جدول ۵: نتایج حاصل از برآورد الگو

متغیر	ضریب	آماره
dln(GINI(-1))	۰.۶۳	۱۶.۷۱

۴.۷۹	۰.۰۴	dln(INF)
۲.۹۹	۰.۲۶	dln(GDP)
-۵.۴۹	-۰.۴۴	dln(TOD)
-۳.۱۰	-۰.۰۵	dln(FOD)
احتمال	مقدار	آزمون
۰.۲۵	۱۱.۲۹	J-Statistic

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج تخمین الگو در جدول فوق ، کلیه ضرایب به لحاظ آماری معنادار هستند . از اطلاعات جدول ۵ مشاهده می‌شود ، تورم و رشد اقتصادی سبب افزایش و جهانی شدن مالی و تجاری سبب کاهش نابرابری در توزیع درآمد می‌شوند.با توجه به نظریه کوزنتس و شدت سرمایه پایین در کشورهای فوق، اثر مثبت رشد اقتصادی بر توزیع درآمد قابل توجیه است .به این ترتیب ، بر اساس نتایج به دست آمده ، جهانی شدن تجاری بیش از سایر متغیرهای مورد بررسی بر شاخص نابرابری درآمد تاثیر می گذارد.

جدول ۶. نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی آرلانو و باند

احتمال	آماره آزمون m	مرتبه خود هم بستگی
۰.۰۲	-۲.۲۹	مرتبه اول
۰.۱۶	۱.۴	مرتبه دوم

منبع: یافته‌های پژوهش

اصابت تورم و جهانی شدن به نابرابری درآمد ۶۷

با توجه به فرض صفر مبنی بر عدم خود همبستگی سریالی در جملات پسماند الگو رد نمی‌شود. با توجه به جدول ۶ احتمال خود همبستگی مرتبه اول کم‌تر از ۵ درصد و احتمال خود همبستگی مرتبه دوم بیش‌تر ۵ درصد است.

۵. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

در این مقاله، تاثیر تورم و جهانی شدن مالی و تجاری بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب با توجه به شدت سرمایه مورد آزمون تجربی قرار گرفت. برای این منظور، از داده‌های سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۰ و روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) استفاده شد. این پژوهش نشان داد که در هر دو گروه از کشورهای مورد بررسی، افزایش تورم سبب افزایش و افزایش درجه جهانی شدن مالی و تجاری موجب کاهش نابرابری درآمد می‌شود. همچنین، در هر دو گروه از کشورهای مورد بررسی، اثر جهانی شدن تجاری بر توزیع درآمد بیش از سایر متغیرهای مورد بررسی است. بر اساس نتایج به دست آمده، با وجودی که تفاوت در شدت سرمایه، به تفاوت قابل توجهی در میزان و جهت تاثیر جهانی شدن تجاری بر نابرابری درآمد منجر نشده است، اما این مطالعه نشان داد در کشورهایی که در آن‌ها شدت سرمایه بیشتر است، جهانی شدن مالی تاثیر بیشتری بر کاهش نابرابری درآمدی دارد. علاوه بر این، حاضر نشان داد که رشد اقتصادی تاثیر افزایشی (مثبت) بر نابرابری درآمدی کشورهای با شدت سرمایه پایین دارد. از آن جا که شدت سرمایه در حقیقت بیانگر سرمایه سرانه است، تاثیر افزایشی این کشورها با توجه به نظریه "U" وارونه کوزنتس و انباشت پایین سرمایه سرانه در این کشورها قابل توجیه است. نتایج به دست آمده در این پژوهش مشابه نتایج حاصل از مطالعات انجام شده توسط فین استرا و هانسن (۱۹۹۷)، کای و هامونی (۲۰۰۹) و لیم و مک نلیز (۲۰۱۵) در خارج و نیز پژوهش‌های صورت گرفته توسط شریفیان (۱۳۸۷)، نجارزاده و مهدوی راسخ (۱۳۸۸)، موسوی و همکاران (۱۳۸۸) و جلائی و ستاری (۱۳۹۰) در داخل است. رقابت فشرده بنگاه‌ها در جذب منابع مالی و افزایش سهم در بازار فروش

محصولات، پیشرفت فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی در انتقال سریع وجوه و به اشتراک گذاشته شدن اطلاعات مالی و فنی از جمله نکات تامل برانگیزی است که چشم پوشی از منافع اقتصاد باز را به یک تصمیم بسیار سخت و پرهزینه تبدیل می کند. از این رو، تجدید نظر در محدودیت های تجاری و مالی وضع شده، بازاریابی بین المللی محصولات و ارتقای سطح بهره وری عوامل تولید از طریق آموزش و به روز کردن فناوری بنگاه ها به منظور ورود به بازارهای جهانی و رقابت در شرایط تجارت آزاد از جمله پیشنهاد های مقاله حاضر محسوب می شوند.

منابع:

- Jalayee, S. & Sattari, O. (2012). The Survey and Forecasting the Effect of Globalization on Urban Income Distribution in Iran Using Artificial Neural Network, *Economic Growth and Development Research* 1 (4), 144-117.
- Agenor, P.R, & Montiel, P.L, (2008), *Development Microeconomics*, Princeton University Press, Princeton, NJ.
- Aghion, P. & Bolton, P., (1997), A Trickle-down Theory of Growth and Development with Debt Overhang, *Review of Economic Studies*, 64, 151-172.
- Almas, H. (2003). The relationship between income and inequality and globalization, Helsinki, Finland
- Atkinson, A.B. & Morelli, S, (2010). Inequality and Banking Crises: A First Look, Report for the International Labor Organization.
- Barba Navaretti, G., & Solga, I. (2002). Weightless machines and costless knowledge: an empirical analysis of trade and technology diffusion. CEPR Discussion Paper No: 3321, Centre for economic policy research, London.
- Bekaert, G. C. R. Harvey & C. Lundblad, (2005). Does Financial Liberalization Spur Growth? *Journal of Financial Economics* 77 3-55.
- Carmen, R. (1994). The capital inflows problem: concepts and issues, *contemporary economic policy*, 3(12), 54-66.

- Chang, J. (2006). Globalization and English in Chinese Higher Education, *World English*, 25 (3-4) 513–525.
- Charles-Coll Jorge A. (2011). Understanding income inequality: concept, causes and measurement. *International Journal of Economic Management Science* 1 (3) 17-28. E-mail: jacoll@uat.edu.mx
- Chinn, M. D. & H. Ito, (2008). A New Measure of Financial Openness, *Journal of Comparative Policy Analysis*, 10 (3) 309 - 322.
- Chinn, M.D. & H. Ito (2002). Capital Account Liberalization, Institutions and Financial Development: Cross Country Evidence. NBER Working Papers No. 8967.
- Chinn, M. D. & H. Ito (2006). What Matters for Financial Development? Capital Controls, Institutions, and Interactions, *Journal of Development Economics*, 81(1) 163-192 (October). The longer version is also available at NBER Working Paper No. 11370.
- Chinn, M.D. & H. Ito (2016). Note on the Chinn-Ito Financial Openness Index (2014 update).
- Cornea, G.A. (2005). Policy Reforms and Income Distribution, Economic and Social Affairs, *Desa Working Paper No (3)*.
- Dadgar, Y. & Najji Meydani, A.A. (2004). The Effects of Globalization of Trade on Iran's Economic Growth, *Trade Studies (IJTC)*, 10 (2) 33 - 64.
- Estrada. Gemma, Park Donghyun, & Ramayandi A. (2015). Financial Development, Financial Openness, and Economic Growth Asian Development Bank. (ADB) Economics Working Paper Series. No.442.
- Eurostat, Income distribution statistics data extracted in February 2016. Most recent data: Further Eurostat information, Main tables and Database. Planned article update: February (2017).
- Feenstra, F & Hanson, G. (1997). Foreign direct investment and relative wages: Evidence from Mexico's maquiladoras, *Journal of International Economics*, 42 (3-4). 371-393.
- Figini, p. & Gorg, H. (1999). Multinational companies and wage inequality in the host country: the case of Ireland, *Weltwirtschaftliches archive/review of world economics*, 135(4), 135-145.

- Firebaugh, G. & Beck, F. (1994). Does economic growth benefit the masses? Growth, dependence, and welfare in the Third World. *American Sociological Review* 59 (5) 631-653.
- Galor, O. & Zeira, J. (1993). Income distribution and macroeconomics, *the review of economic studies*, 60, issue 1, 35-52.
- Geert B., Campbell R., Harvey & Christian Lundblad (2011) "Financial Openness and Productivity" *World Development*, 39 (1) 1-19.
- Gordon , Robert j, & becker, inapew (2016) , income inequality the causes of rising , the national bureau of economic research (invest opedia) www. Invest opedia.com , launched june 1999.
- Grima, S., Greenaway, D. and Kneller, R. (2004). Does exporting lead to better performance? A microeconometric analysis of matched firms, Forthcoming in *Review of International Economics*.
- IMF Staff (2008). Globalization: A Brief Overview. *International Monetary Fund Issues Brief*.
- Jai, M, (2003). A Note on Globalization and Income Distribution: Case of Korea 1975-1995, *journal of Asian economics*, 14, 157-164.
- Kai, H & Hamoni, S, (2009), Globalization, Financial Depth and Inequality in Sub-Saharan Africa, *Economics Bulletin*, 29, 3, 2034-2046.
- Klaus Deininger a.), Lyn Squire New ways of looking at old issues: inequality and growth, *Journal of Development Economics*, Vol. 57 _1998. 259-287
- Lane and Milesi-Ferreti's (2007) The external wealth of nations mark II: Revised and extended estimates of foreign assets and liabilities, 1970-2004 , 2010 *Journal of International Economics*, Volume 73, Issue 2, November 2007, Pages 223-250
- Li, Hongyi & Zoo Hengfu (2002), "Inflation, Growth & Income Distribution: A Cross-Country Study", *ANNAIS of Economics and Finance*, Vol. 3, PP. 85-101.
- Mahler, a., Jesuit, k., & roscoe, d., (1999), exploring the impact of trade and investment on income inequality, *comparative political studies*, 32(3), 363-395.
- McKinnon, Ronald I. (1973). *Money and Capital in Economic Development*, Washington, DC: Brookings Institution.

- Mody, A. & Murshid, A. P. (2005). Growing up with capital flows, *Journal of International Economics*, 65, 249–266.
- Monnin Pierre (2014). Inflation and Income Inequality in Developed Economies CEP Council on Economic Policies Working Paper 2014/1
- Mousavi, S.N.; Sadrolashafi, S.M. & Taheri, F. (2009). Impact of Globalization on Iranian Income Inequality, *Agricultural economics*, 3(2) 185-207.
- Naji, Ali Akbar (2002). The effect of economic globalization on growth, employment and income distribution, Department of economics, Dissertation, Tarbiat Modares University.
- Nazari, M. & Fatorechi Z. (2010). The Effect Of Globalization On Income Distribution In Iran: The Test of Kuznets, Stopper – Samuelsson And Mundel Hypotheses, *Social Welfare*, Volume 10, Number 36 (4-2010), 237-254.
- Ning, YU (2014) The Measurement of Financial Openness: From the Perspective of G201 *Journal of Chinese Economics*, 2 (2) 59-72 Retrieved at: <http://journals.sfu.ca/nwchp/index.php/journal>
- Perkins, R. & Neumayer, E. (2005). The International Diffusion of New Technologies: A Multi technology Analysis of Latecomer Advantage and Global Economic Integration, *annals of the association of American geographers*, 95 (4) 789–808.
- Priester M.; Mendelson A.; Anderson S. & Pizzigati S. (2016). Income inequality in statute for policy studies. www.inequality.org
- Quinn, D. P., Schindler M., & Toyoda, A. M. (2011). Assessing Measures of Financial Openness and Integration. *IMF Economic Review*. 59 (3). pp. 488–522.
- Robertson D. (1940). *Essays in Monetary Theory*, London: P.S. King & Son.
- Rothenberg, L.E. (2003). *Globalization 101 The Three Tension of Globalization*. New York: The American Forum of Global Education.
- Shaw, E. (1973). *Financial Deepening in Economic Development* (New York: Oxford University Press).
- Shrfiyan, A. (2007). *Globalization and Income Distribution*. Department of Economics, Thesis, University of Mazandaran.

- Stiglitz, J. E. (2000), Capital Market Liberalization, Economic Growth, and Instability, *World Development*, 28 (6), 1075-1086.
- Stolper, W. & Paul A. Samuelson. (1941). Protection and Real Wages. *Review of Economic Studies*, 9(1), 58-73.
- Stringer, J., Unpublished results. Foreign Direct Investment and Income Inequality in Developing Countries: An Exploration of the Causal Relationship Using Industry Level FDI Data. Document prepared for the 2006 annual Midwest Political Science Association conference.
- Taylor, L. (2000). External Liberalization, Economic Performance and Distribution in Latin America and Elsewhere, WIDER Working Paper, No: 215.
- Windmeijer, F. (2005). A finite sample correction for the variance of linear efficient two step GMM estimators, *journal of econometrics*, 126, 25-51.